

«فرهیختگان» به بهانهٔ اثر جدید اصغر فرهادی کارنامه او و سایر کارگردان هایی را که در خارج از کشور کار کرده‌اند، بررسی می‌کند

ممیزی یار کمکی فرهادی

تجارت شکست خوردهٔ آقای کیمیایی

«مسعود کیمیایی» اگرچه به‌زعم برخی از منتقدان در دسته سینماگران موج نو به حساب نمی‌آید، اما با توجه به اتفاقی که او با «قیصر» در سینمای ایران رقم زد حداقل از زوایه تاریخ‌نگاری پایدوی‌رایم‌ترین کارگردان ایرانی پیش از انقلاب اسلامی قلمداد کنیم. گرچه آثار کیمیایی در بعد داستان‌پردازی و همچنین ساختمان بصری شباهت زیادی به فیلم‌های کلاسیک هالیوودی داشت ولی او توانست با الهام از مضامینی که در سینمای فارسی مورد استفاده قرار می گرفت شکل ایرانیزه‌شده مووی‌های آمریکایی را تحویل مخاطبانش بدهد و از این منظر به فیلمسازی محوری در تاریخ سینمای ایران بدل شود. کیمیایی پس از ساخت فیلم‌نمادین «سفر سنگ» با به فضایی پساانقلابی گذاشت، اما براساس سیاست‌گذاری جدیدی که وزارت نوپای فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌همراه بنیاد سینمایی فارابی در حال جا انداختن آن بودند چندان نتوانست همچون سابق

رونق بازار برای عباس کیارستمی

«عباس کیارستمی» از جمله مهم‌ترین تربیت‌شدگان «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» بود و چراغ فیلمسازی این نهاد مهم فرهنگی در دهه ۴۰، ۵۰ و حتی ۶۰ را به‌همراه طیفی از همکاران و هم‌دوره‌ای‌هایش روشن نگاه داشت. این فیلمساز –که بسیاری از منتقدان ایرانی و خارجی از او به‌عنوان تنها سینماگر مؤلف کشور ما یاد می‌کنند- رفته‌رفته از حاشیه به اصل آمد و ساخته‌هایش به‌تدریج از «خانه‌دوست‌کجاست» باورده‌ای جشنواره‌های غربی و شرقی به‌عنوان نماینده تراز فرهنگی ایران آن روزگار پذیرفته شدند. به عبارت دیگر، حکمرانی فرهنگی در آن ایام نیازمند خون تازه بود و امثال کیارستمی نمونه مناسبی برای معرفی فرهنگ مابه‌جهانیان بودند؛ زیرا مضامینی که این کارگردان در لایه‌های بیرونی آثارش به مخاطبان ارائه می‌داد از یک طرف هیچ منافاتی با خطوط فرم‌ز عرفی، اخلاقی و حاکمیتی نداشت و چهره خوب و صلح‌طلبی از ایران را به غرب فرهنگی معرفی می‌کرد و از طرف دیگر، سینمای جشنواره‌ای که در آن سال‌ها در دوران فترت و سکادی خود به‌سر می‌برد نیازمند یک فکر و نگاه جدید شرق خواهانه بود که کارگردان «زیر درختان زیتون» مصالح آن را به‌خوبی ایجاد و دنباله آن فراهم می‌کرد. «عباس کیارستمی» را نه تنها باید

«ایران» اسم رمز موفقیت فرهادی

«اصغر فرهادی» پله‌های موفقیت در وادی فیلمسازی را یک به یک طی کرد و در نهایت دوبار توانست آسکار بخش خارجی‌زبان را به‌دست بیاورد. این اتفاق برای کارگردانی که پیش از آن با بر خورداری از امکانات و ابزار تولید در میان جریان اصلی سینمای ایران دسته‌بندی می‌شد اتفاق خوشایندی بود و راه را برای ادامه فعالیت‌های این کارگردان در خارج از ایران هموار کرد. فرهادی که پس از دریافت جوایز متعدد برای «جدایی نادر از سیمین» و همین‌طور فروش درخشان ۲۳ میلیون دلاری فیلمش در اکران جهانی سال ۲۰۱۲ با توجه به بودجه ۵۰۰ هزار دلاری (فیلم) آرزوی ساخت فیلم بین‌المللی رادر دسترس می‌دید، پشت‌دوربین «گذشته» قرار گرفت و با همکاری «برنیس بزو» (ستاره فیلم آسکاری آرستست) و «طاهر رحیم» بازیگر فیلم مهم «کپی‌امیر» ساخته «ژاک اودیار» دست به تولید

بچه‌های آسمان؛ ورژن خارجی

«مجید مجیدی» با توجه به شاخص‌های شکل گرفته‌در سینمای پس از انقلاب، فیلمساز مهمی است و در تمام این سال‌ها در مقام یکی از آثرناتیوهای سینمای فارسی به مخاطبان معرفی شده‌است. «رنگ خدا»، «بدوک»، «پید مجنون»، «آواز گنجشک‌ها»، «باران» و در رأس همه این موارد «بچه‌های آسمان» به‌عنوان شاخص‌ترین اثر این کارگردان به حساب می‌آید که بابت ساخت آن تا نامزدی در بخش غیرانگلیسی‌زبان آسکار هم پیش‌رفت و حساسی در میان مخاطبان جدی

چارسو

«اوژ» به‌عنوان نهمین پایتخت کتاب ایران معرفی شد

شهر اوژ در استان فارس، طی مراسمی رسمی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تاریخ دهم اردیبهشت‌ماه، به‌عنوان نهمین پایتخت کتاب ایران معرفی شد. علیرضا نورزی‌زاده، مدیرکل اداره مجامع و تشکل‌های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرد که این انتخاب پس از فرایند داوری برنامه‌های ۲۷ شهر از میان ۱۱۰ شهر شرکت‌کننده در این دوره صورت گرفته است. به گفته نوروزی‌زاده، شهرهای شاهین شهر، ارومیه، قزوین و بهشهر نیز به‌عنوان «شهر دوستدار کتاب» و لاهیجان به‌عنوان «شهر مشتاق کتاب» معرفی شدند. وی همچنین افزود که بنا بر تصمیم هیئت داوران، دوره بعدی انتخاب پایتخت کتاب به صورت دوسالانه برگزار خواهد شد. او ادامه داد: «طرحی داشتم که پایتخت کتاب به‌صورت دوسالانه باشد اما هیئت داوران به این نتیجه رسیدند به صورت سالانه باشد». محسن حاج زین‌العابدینی، از داوران این دوره، دلایل اصلی انتخاب اوژ را استمرار فعالیت‌های کتاب‌خوانی، اجرای طرح‌های خلاقانه، توجه به بخش بین‌الملل در ترویج کتابخوانی و وجود ابتکارات مردمی موفق مانند طرح «کوچه شادی» عنوان کرد.



اثرگذاری‌اش را حفظ کند و روال گذشته را بدون وقفه ادامه بدهد. اما کیمیایی چه می‌ساخت که در فضای ملتهب آن روزها خبردار زیادی نداشت؟ در سال‌های شکل‌گیری حاکمیت جمهوری اسلامی و پس از آن، فرهنگ به سمتی رفت که حضور «قهرمان» به‌مثابه «پروتاگونیست» و فعال‌مایشا-صحنه‌رایه مانند گذشته برنمی‌تایید و صاحبان آثار در تلاش برای جایگزینی شکل جدیدی از سینما بودند که شباهت چندانی به نمونه‌های ایرانی از آثار اصیل آمریکایی نداشت. آثار کیمیایی هم که در شکل روایت به فیلم‌های «شامپیرنگ» طعنه می‌زدند و حضور قهر مان و ضدقهرمان در آن‌ها نهاده‌ین شده بود کم‌کم از کانون توجه مدیران فرهنگی کنار گذاشته شده و به حاشیه رفتند. کارگردان «غزل» پس از ساخت چند اثر بلند سینمایی برای امتحان کردن شانس خود به خارج از کشور رفت و «تجارت» و «با نقش پُررنگ عوامل ایرانی در آلمان ساخت. «تجارت»

شناخته‌شده‌ترین فیلمساز بین‌المللی کشور ما –حداقل در قرن بیستم– قلمداد کنیم، بلکه باید این واقعیت را هم بدی‌ریم که او به‌رغم تمام انتقادات و تحسین‌ها جزء مطمح‌ترین سینماگران جهان حداقل فصل نیمه‌دوم قرن تسال‌های میانی دهه دوم قرن جدید میلادی بود. کیارستمی بارها در خارج از ایران پشت‌دوربین آثار متعدد قرار گرفت که از این میان می‌توان به مهم‌ترین نمونه‌ها یعنی «کپی برابر اصل»، «مثل یک عاشق»، «ابلیت‌ها و لوم‌می‌رو» و شرکا (آثار مشترک با دیگر کارگردانان مطرح دنیا»، «ای بی‌سی آفریقا» و... اشاره کرد. «کپی برابر اصل» و «مثل یک عاشق» برخلاف بیشتر آثار عباس کیارستمی، از یک شیوه تماماً حرفه‌ای در تولید برخوردار بودند و به همین سبب هم عوامل حرفه‌ای بیشتری در جلو و پشت صحنه این آثار حضور داشتند که از سرشناس‌ترین این افراد می‌توان از «ژولیت بینوش» بازیگر سرشناس فرانسوی نام برد که در شصت و سومین دوره از فستیوال فیلم کن برای بازی در «کپی برابر اصل» عباس کیارستمی جایزه بهترین بازیگر زن را هم از آن خود کرد. «مثل یک عاشق» واپسین تجربه حرفه‌ای کارگردان «مسافر» در خارج از کشور بود که در ژاپن به سرانجام رسید. اگر بخوایم سینمای ایران را به دووجه «صنعتی» و «هنری»

فیلمی در پاریس زد که چندی بعد «گذشته» نام گرفت و در جشنواره کن سال ۲۰۱۳ جایزه‌بهترین بازیگر زن را برای «برنیس بزو» به ار مغان آورد. «گذشته» با وجود بودجه گراف ۱۱ میلیون دلاری‌اش به سود نرسید و در جدول باکس آفیس تنها ۱۲ میلیون دلار فروش کرد تا این واقعیت را به کارگردان «قص در غبار» بقبولاند که ساخت فیلم در ایران با توجه به قیمت تمام‌شده آن صرفه اقتصادی بیشتری دارد و امکان موفقیت را با هزینه-فایده کمتر فراهم می‌کند. دومین فیلم بین‌المللی فرهادی «همه می‌دانند» بود که مقدمات ساخت آن در اسپانیا فراهم شد. او در این اثر با ستارگان سرشناسی چون «خاویر باردم»، «ریکار دو دارین» و «پنلو په کروز» همکاری کرد، اما نتیجه اتفاق در خور توجهی به حساب نیامد. فیلم البته از نظر مالی با فروش ۱۹ میلیون دلاری توانست بخشی از مخارج بودجه

سینما در جهان شناخته شد. «بچه‌های آسمان» با برخورداری از بودجه ۱۸۰ هزار دلاری نزدیک به یک میلیون دلار در سراسر دنیا فروخت که در آن زمان اتفاق خوشایندی برای سینمای ایران اصلی ایران تلقی می‌شد. موفقیت این اثر موجب شد تا «رنگ خدا» به‌عنوان اثر بعدی مجیدی به نزدیک به ۳ میلیون دلار فروش کند و نام سینمای موردپسند فارابی و ارشاد برای بار دیگر مطرح شود. کارگردان «بدوک» با وجود اسم و رسم شناخته‌شده‌اش تنها یک فیلم در

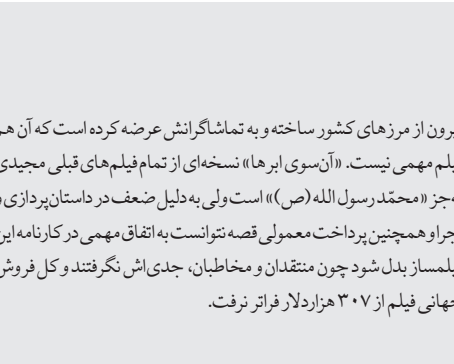
جین گاردام نویسندهٔ بریتانیایی درگذشت

جین گاردام، نویسنده برجسته بریتانیایی و خالق آثار تحسین‌شده‌ای چون «اولد فیلث» و «سرزمین توخالی»، در سن ۹۶سالگی درگذشت. گاردام که زاده شهر ردکار در منطقه یورکشایر بود، در طول ۵۰ سال فعالیت حرفه‌ای خود جوایز متعدد ادبی را از آن خود کرد، از جمله نشان افتخار امپراتوری بریتانیا در سال ۲۰۰۹ به پاس خدماتش به دنیای ادبیات. او تنها نویسنده‌ای بود که موفق شد جایزه وایتبرد (که بعدها به کاستا تغییر نام داد) را در دو بخش مختلف کسب کند؛ در سال ۱۹۸۱ برای رمان کودک «سرزمین توخالی» و در سال ۱۹۹۱ برای رمان بزرگسالان «ملکه تئور». همچنین رمان «اولد فیلث» او نیز در سال ۲۰۱۵ از سوی بی‌بی‌سی در فهرست «۱۰۰ رمان برتر بریتانیایی» جای گرفت. آخرین کتاب او «آخرین دوستان» بود که در سال ۲۰۱۳ منتشر و نامزد جایزه ادبی فولیو (۲۰۱۴) شد. این رمان بخش پایانی سه‌گانه‌ای بود که با «اولد فیلث» آغاز شده و با «مردی با کلاه چوبی» ادامه یافته بود.



تقسیم کنیم، «عباس کیارستمی» با حضور در دسته‌دوم مهم‌ترین چهره‌سینمای ایران در خارج از کشور لقب می‌گیرد. «سینمای هنری» موردنظر این گزارش، به فیلم‌های موردعلاقه جشنواره‌های غربی اطلاق می‌شود که مدیران آن‌ها گاهی اوریتنالیستی به مفهوم هنر در شرق دارند و به فیلمسازانی که با رعایت استئانداردهای آن‌ها فیلم بسازند روی خوش نشان می‌دهند؛ البته در مورد «عباس کیارستمی» باید این نکته را لحاظ کرد که استایل او در فیلمسازی تا حدود زیادی به شکل ناخودآگاه با اهداف این فستیوال‌ها همپوشانی پیدا کرده بود و وی چندان اهمیت واقعی به بایدها و نبایدهای آن‌ها نمی‌داد. در انتهای این بخش از گزارش که می‌تواند شروعی برای بخش‌های دیگر باشد باید این نکته را یادآوری کنم که هر قدر تولیدات سینماگران ایرانی در خارج از کشور در بُعد جشنواره‌ای و روشنفکرانه نسبتاً موفق بوده و جوایزی را به دست آورده‌اند، سینمای شبه‌صنعتی به همان میزان شکست خورده و توفیقی به دست نیاورده است. قاطعهٔ آثار «عباس کیارستمی» در دست‌نخست و تجارت مسعود کیمیایی، «قفس طلایی» ساخته «محمّد آژونی» زرین‌دست»، «استاره‌بازی» به کارگردانی «هاتف علیمردانی» و... جزء دسته دوم به حساب می‌آیند.

۱۰ میلیون دلاری‌اش را جبران کند. به‌زعم منتقدان، «همه می‌دانند» ضعیف‌ترین فیلم فرهادی در کل کارنامه‌اش تا امروز است و این مسئله را در مورد این فیلمساز به اثبات می‌رساند که تولید محتوای سرگرم‌کننده برای طبقه متوسط در نقاط مختلف جهان لزوماً به موفقیتی که او در آثار ایرانی‌اش به آن دست یافته منجر نمی‌شود. اکنون خبر می‌رسد که فرهادی در پی ساخت سومین اثر بین‌المللی خود برای بار دوم به پاریس رفته و این بار با بازیگران مهم و سرشناسی همچون «کاترین دونوو»، «ونسان کسل» و «ایزابل هوپر» همکاری کرده‌است. با وجود این، بر کسی پوشیده نیست که کفه ترازو به نفع آثار تولیدشده این کارگردان در ایران سنگینی می‌کند و مخاطبان جهانی وی –بی‌ویژه خوره‌های فیلم و سینفیل‌ها- او را بیشتر با «جدایی نادر از سیمین»، «فروشنده» و «در باره‌الی» به یاد می‌آورند.



عامل خطا در رسانهٔ ملی ترکیبی از بی‌توجهی و سهل انگاری بود

پیمان جبلی در باره توهین به مقدسات اهل سنت در صداوسیما گفت: «خطای ناخشنودی رخ داده در رسانه ملی، نتیجه ترکیبی از بی‌توجهی شبه‌عمدی به ضوابط محتوایی توسط برخی عوامل تولید و سهل انگاری در فرایند‌های نظارتی چندلایه پیش از پخش بوده است. بررسی‌های دقیق‌تر در باره علل و انگیزه‌های عوامل تولید محتوا ادامه دارد.»

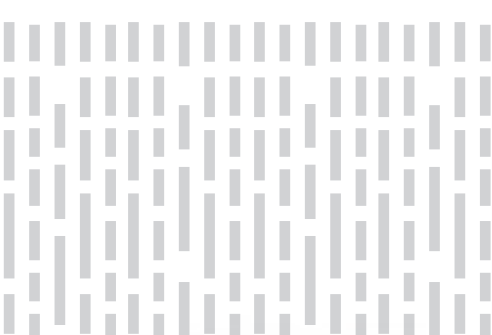
او ادامه داد: «اقدامات فوری بسرای تثبیت و تقویت فرایند‌های نظارتی در حوزه پخش و رفع خلأ‌ها و حفره‌های نظارتی در حال اجراست. از جمله این اقدامات، بازطراحی سامانه‌های انتقال فایل‌های محتواهای تولیدی تا پخش است تا امکان رسیدن محتوای تأییدشده به آنتن به صفر برسد.» جبلی افزود: «با وجود رسیدن ۲۴ ساعته پیش از ۱۲۰ شبکه ملی، محلی و بین‌المللی و پخش روزانه حدود ۳۰۰ ساعـت برنامه زنده و ضبطی، این خطای چند ثانیه‌ای به هیچ وجه قابل قبول و بخشش نیست و در تضاد کامل با رویه رسانه ملی در تقویت وحدت اسلامی است.»



ایمان عظیمی

خبرنگار گروه فرهنگ

از زمان پا گرفتن چیزی تحت عنوان «صنعت سینمای ایران» از سال ۱۳۲۷ تاکنون، سینماگران مادر برهه‌هایی تلاش کرده‌اند تا شانس خود را در امر فیلمسازی در بیرون از کشور امتحان کنند. این رویکرد چه در سینمای تجاری و قبل و پس از انقلاب و چه در میان سینماگران پیشرو و به قول اهل فن «موج نوی‌ها» سابقه داشته و تجربه شده است. امـا در همین بدو امر باید این سؤال را مطرح کرد که کارگردانان شاخص ایرانی در بیرون از مرزها به آنچه می‌خواستند دست یافته‌اند یا با چشیدن طعم تلخ شکست برای ادامه کار خود به ایران بازگشته‌اند؟ پاسخ دادن به این سؤال مستلزم شناخت نسبتاً دقیق از روندها و ارزیابی مسیر فیلمسازی در داخل ایران با توجه به بزنگاه‌های تاریخی است. بر همین اساس قصد داریم با سرک کشیدن به کارنامه سینماگران مطرح موج نو و همین‌طور نسل‌های بعدی، ضمن اشاره به آثار تولیدشده در خارج از ایران، به‌مرور به این پرسش پاسخ دهیم که آیا ادامه فعالیت کارگردانان ایرانی در خارج از کشور مقرون به صرفه است یا حضور مستمر آن‌ها در داخل مرزها و ادامه این راه بیشتر به صلاح آن‌هاست؟



پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴



شماره ۴۴۰۰



FARHIKHTEGANDAILY



FARHIKHTEGAN